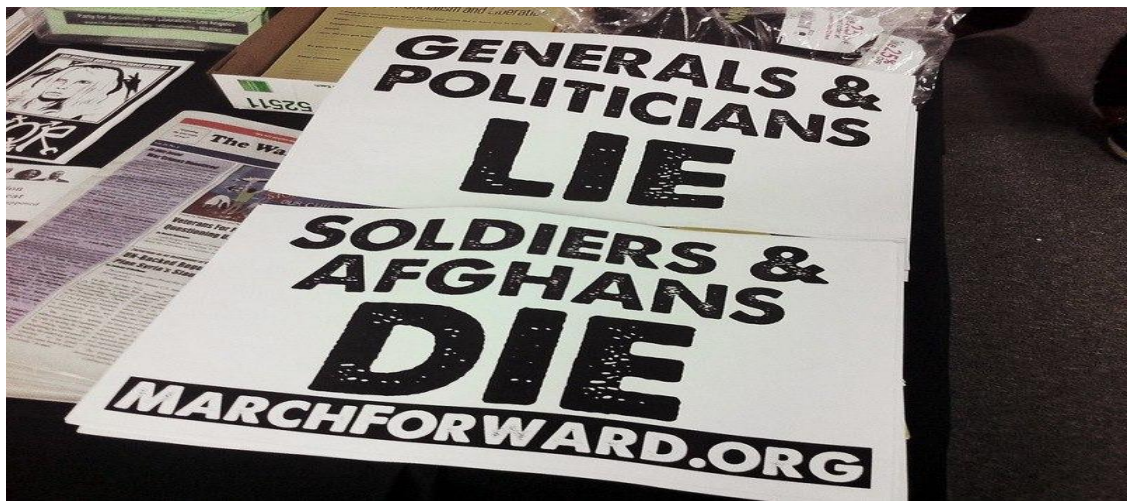


نویسنده: ملوین گودمن (Melvin Goodman)
منبع و تاریخ نشر: کوئتر پنچ «2020-07-08»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

«72»

افغانستان: چه کاری انجام می شود؟

Afghanistan: What is to be Done?



Photograph Source: Jayel Aheram – [CC BY 2.0](https://creativecommons.org/licenses/by/2.0/)

رسانه های اصلی در حال طرح سؤالاتی اشتباه آمیز در مورد احتمال وجود پاداش روسی برای سربازان آمریکایی است. بارها و بارها، آنها می اندیشند که رئیس جمهور چه چیزی را می دانست و چه زمانی او این موضوع را می دانست؟ اینها سؤالات مهمی بودند که سنا تور **هوارد بیکر** از رئیس جمهور **نیکسون** در زمان رخداد وا ترگیت پرسید، اما با توجه به جهل و بی تفاهتی وی سؤالاتی بی معنی برای **دونالد ترامپ** است. **ترامپ**

هرسه سال و نیم از سیاست خارجی و امنیت ملی سوء استفاده کرده است؛ چرا کسی انتظار دارد که او این حق را به دست آورد. این واقعیت که وی در مورد بازگشت به (جی 7) حتی در حالی که شورای امنیت ملی وی در حال بحث در مورد مسئله فضل بود، یک سری تماس با رئیس جمهور **ولادیمیر پوتین** برقرار کرده بود، به سادگی است. خیلی کلمات عجیب و غریب.

اما موضوعات مربوط به مسئله فعلی افغانستان وجود دارد که رسانه های اصلی باید به آن بپردازند و این سؤال وجود دارد که چه کاری باید انجام شود. مشکل پوشش رسانه ای با دیگر فقدان زمینه است. بنابراین، برخی از تاریخچه در مورد ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان نظم دارد. (و در معرض خطر دمیدن شاخ خودم هستم، به عنوان یک تحلیلگر اطلاعات سیا در سال «1979»، من در ماه مارس اولین ارزیابی را که پیش بینی می‌کردم استفاده شوروی از افغانستان در افغانستان، که در ماه دسامبر اتفاق افتاد پیش بینی کردم) انجام دادم. روزنامه رئیس جمهور یا روزنامه اطلاعات ملی روزانه رئیس جمهور، اما آن را در اختیار افسر هشدارها در پنتاگون قرار داده است که آنرا به طور گسترده پخش می‌کند.)

اول، تاریخچه: چند ماه قبل از حمله شوروی، مشاور امنیت ملی **زیگنیو برژینسکی** به آژانس اطلاعات مرکزی اجازه داد تا یک برنامه اقدام پنهانی را در افغانستان آغاز کند. هدف **برژینسکی** صدور یک پاسخ «واکنش» شوروی بود که شامل معرفی نیروهای رزمی شود، که او تصور می‌کرد این یک تخلیه (تهی شدن) منابع و منافع شوروی خواهد بود. با این حال، وقتی حمله صورت گرفت، **برژینسکی** به دروغ استفاده از زور را به امپریالیسم اتحاد جماهیر شوروی و "اصرار به دریا" نسبت داد، که به ویژه با توجه به وضعیت محاصره شده در خاک افغانستان قابل توجه بود. **برژینسکی**، یک «troglodyte» ضد شوروی در سال های اولیه خود، همچنین مسئولیت افسانه افسانه گویی جنگ تیپ جنگی اتحاد جماهیر شوروی در کوبا بود که مانع امضای توافق نامه استراتژیک تسلیحاتی شد، و پخش اطلاعات در مورد نقش (غیر موجود) اتحاد جماهیر شوروی را بر عهده گرفت. حمله به پاپ در سال (1981).

رابرت گیتس ریس اطلاعات مرکزی (سی آی ای) و وزیر دفاع پیشین امریکا؛ پیشینیان سازمان (سی آی ای) را از مجاهدین بین افغان موفقیت این سازمان عنوان کرد و گفت که بزرگترین موفقیت این سازمان بود؛ این امر قابل قبول خواهد بود به جز این واقعیت که همان نیروهای مجاهدین که به شوروی ها حمله میکنند (بیش از «15000» نفرشان از سال «1979-1989» جان باختند) نیروهای بودند که پس از آن سلاح های در دست

داشته آمریکایی خود را علیه نیروها و یا سربازان آمریکایی دور دادند و یا نشانی گرفتند (که نزدیک به «2500» آمریکایی از «2001» تا ماه فبروری سال (2020) جان باختند)؛ در همین حال افغانستان همچنان کنون یک کشور مرگ و بدبختی است و ما منابع سیاه «سی آی ای» که برای مجاهدین سلاح تدارک دیده بودند بعداً باعث بروز درگیری ها در بالکان و آفریقا شد و شورشیان آموزش دیده توسط (سی آی ای) به جایی رسید که آنها در حملات علیه آمریکایی ها نقش ایفا کردند که این به اصطلاح بزرگترین موفقیت برای آقای گیتس خواهد بود؟

گیتس همچنان ادعای دروغین مبنی بر تامین و یا فراهم آوری موشک های (سی آی ای) از موشک های سطح به هوایی ایستنگر به مجاهدین را مجاب کرد که شوروی ها را متقاعد کرد تا از افغانستان عقب نشینی کنند. در حقیقت تصمیم ریس جمهور **گرباچف** مبنی بر انصراف قبل از ورود ایستنگرها و جامعه اطلاعاتی موفقیت ایستنگرز را در برابر بالگردهای اتحاد جماهیر شوروی نیز اغراق آمیز کرد؛ همانند آوایل **برژینسکی**؛ **گیتس** هایی اولیه نیز یک مشاعره ضد شوروی بود. که استفاده از زور را علیه **ساند نیست** های طرفدار اتحاد جماهیر شوروی در نیکارگویه و همچنین علیه **معمر القذافی** در لیبیا تشویق میکرد.

ایالات متحده در اکتوبر سال (2001) به افغانستان حمله کرد و ریس جمهور کنونی روسیه **ولادیمیر پوتین** اولین وزیر امور خارجه روسیه بود که کمک نیروهای اطلاعاتی و پشتیبانی لوژیستیکی را به قوت های ایالات متحده ارایه داد. **پوتین** انتظار داشت که ایالات متحده **بن لادن** را دنبال خواهد کرد و مسکو از این هدف کاملاً حمایت کرد. اعتقاد بر این بود که اشتباه آمریکا در مواجه شدن با دو دشمن استراتژیکی اعم از دولت طالبان و القاعده **بن لادن** وجود داشته است یعنی که آمریکا مرتکب اشتباه میشود از اینکه القاعده طی چند ماه از افغانستان بیرون رفت در آن مرحله ایالات متحده باید از این کشور خارج میشد زیرا شکست طالبان نه تنها که دستاوردی نبود بلکه منافع حیاتی ملی برای آمریکا نیز نداشت یعنی به اصطلاح «نقشه صلح» آمریکا برنامه خوبی نیست و یاکه نبود؛ اما هنگامیکه یک طرف؛ ایالات متحده یک پای خود را به بیرون ببیند امکان پذیر نیست

رسانه های اصلی این واقعیت را پذیرفته اند که روس ها حملات خود را برای عقب نشینی نیروهای آمریکایی تشویق می کنند و جایزه هایی را برای ایالات متحده و سایر کارمندان متحد در افغانستان قرار داده اند. هیچ مدرک مستقیمی در مورد نقش اطلاعات نظامی روسیه (GRU) در تأمین جوایز درگذشت سربازان آمریکایی و ائتلاف در افغانستان وجود ندارد. آژانس امنیت ملی در ارزیابی جامعه اطلاعاتی نسبت به چنین فوایدی بسیار مؤثر

است و آژانس امنیت ملی آمریکا به احتمال زیاد به نفع روسای روسی به بهترین اطلاعات دسترسی دارد. آژانس اطلاعات دفاعی همچنین فاقد مدارکی است که کرملین را به طرح فضل و پیوند پیوند می دهد. این واقعیت که اطلاعات اصلی روسیه (GRU) وجوه خود را به طالبان انتقال داده است، نه مضر و نه تعجب آور است.

رسانه های اصلی همچنین اظهار دارند که پوتین برای تأخیر در خروج ایالات متحده تاکتیک پاداش را به کار گرفته است و احتمالاً باعث شده است که دولت **ترامپ** سربازان دیگری را به افغانستان بیاورد. بعید به نظر می رسد زیرا روسیه دوست دارد در آینده سیاسی افغانستان تأثیر بگذارد و آخرین چیزی که به نفع مسکو است، حضور بیشتر ارتش آمریکا در حوزه نفوذ خود است.

ما احتمالاً هرگز نقش پوتین را در هیچ یک از اینها نخواهیم دانست زیرا یک اقدام پنهانی خوب امکان انکار محتمل را در مورد میزان درگیری واقعی مسکو فراهم می کند. اگر روسیه قصد دارد در افغانستان با زیکن شود، اولین شرط یک رابطه پایدار با برنده نهایی در آنجا یعنی طالبان است. به نظر می رسد روسیه در چنین هدفی موفقیت داشته است، اما ایالات متحده باید بدون در نظر گرفتن اقدامات روسیه، خروج نهایی از افغانستان را دنبال کند. در سال های (1989-1990)، ما به تعهد وزیر جورج شولتز برای کمک به مسکو در تثبیت دولت افغانستان در پی خروج این کشور از این کشور اطمینان کردیم. روسیه قصد ندارد ایالات متحده را از تعهدات نقص استراتژیک خارج کند، اما می خواهد آمریکا را ترغیب کند.

ایالات متحده باید کمتر به اقدامات پنهانی روسیه (یا "اقدامات فعال") در افغانستان توجه کند. گذشته از این، افغانستان در حیط خلوت روسیه است و نه در مال ما. با توجه به خرابی های اطلاعاتی و سیاسی مربوط به دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال (2016) باید توجه بیشتری به اقدامات احتمالی روسیه علیه «50» سیستم انتخابی جداگانه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال 2020 داشته باشیم.

----- **با تقدیم سلامها «2020-07-08»**

